

(هفت قوس) روز جانباختگان جنبش مائونیستی افغانستان ما را بسوی شفق داغ انقلاب فرا میخواند!

وطن فروشان "خلق-پرچی" این رویزیونیست های خون آشام و دد منش، با آنکه صدر اکرم یاری را به شهادت رسانیدند اما نتوانستند جلوی اشاعه اندیشه های پیشرو عصر را که صدراکرم یاری پشاهنگ و منادی آن در افغانستان بود، بگیرند. وطن فروشان "خلق-پرچی" نتوانستند جلو اندیشه و راهنمای صدر اکرم یاری را که به تعبیر زنده یاد شفیع کدکلی "مثل بهار از همه سو می آمد" بگیرند. هفتم قوس، روز جان باختن صدر یاری، اگر از سوئی روزی است که در آن جنبش انقلابی کشور ما و جنبش کمونیستی بین المللی یکی از بهترین نماینده گان خود را از دست داد، از سوی دیگر این روز نماد این حقیقت تابان شده که میان کمونیست ها و رویزیونیست های خروشچی، دریایی از خون فاصله است. صدر اکرم یاری، محک تمسک راستین به مارکسیسم-لنینیسم-مائونیسم در افغانستان بود. وی سکانداری بود بی نظیر و انقلابی بود که تا هنوز افغانستان نظیرش را ندیده است. **هر که صدر اکرم یاری و اندیشه و سرخ اش را بپذیرد و در عمل به کار بندد، کمونیست است. هر که در برابر اندیشه و توانایش قرار گیرد، دشمن کمونیسم است.** رویزیونیست های "سه جهانی" وطنی که در حقیقت نمایندگان فئودال-کمپرادورهای شئونیسم پشتونی طبقه حاکمه بودند، نتوانستند با ماسک های دروغین "اندیشه مائوتسه دون" خویش در برابر آفتاب درخشان اندیشه صدر یاری ایستادگی کنند. از همین رو داغ ننگ ابدی نصیب شان شد. نه رویزیونیست های خروشچی و نه تینگ هسیائوپنگیست های "سه جهانی" هیچ کدام قادر نشدند که از اشاعه و اندیشه و راهنمای صدر اکرم یاری که انطباق خلاق حقیقت جهانشمول مائونیسم در پراتیک مشخص انقلاب افغانستان است جلوگیری کنند. **امروزه خط سرخ رفیق یاری، خط انقلاب افغانستان است و تکامل و پویه و این خط است که ضامن رسیدن ما به کمونیسم همیشه درخشان میباشد.** صدر اکرم یاری را گرامی داریم، اندیشه و توانایش را پاس داریم و با راه اندازی (مبارزه و دو خط) در عرصه ملی و بین المللی پوزه و مرده ریگ "خلق و پرچم" و تینگ هسیائوپنگیست های "سازمان انقلابی" و هم قماشان شانرا به خاک مالیم.

"پیمان امنیتی" ننگینی که دولوی حرامزاده و "تاریخ" امروز یعنی اشرف-عبدالله با اشغالگران امریکایی بسته اند، دمبک زدن "ماجه سگی" پرچی نظیر حنیف اتمر که کاتبی وحی اهریمن وطن فروشی را از آوان مزدوری به روسان به عهده داشته است، چمیدن بقایای تینگ هسیائوپنگیست های سه جهانی بر بساط ننگ "دموکراسی" یوشالی شاه شجاع چهارم، "احیای" مجدد وطن فروشان پرچی تحت لوای جنگسالار وطن فروش و آدمکش یعنی "جنرال دوستم" همه و این موارد در برابر اراده و انقلابی خلق ها، پر کاهی بیش نیستند. خشم سرخ توده های انقلابی در پرتو خورشید اندیشه و صدر اکرم یاری، تلالوی ظفر نمون فردایی است که دیگر در آن سراغی از "مجاهد" و "طالب" و تکنوکرات، و نشانی از اشغالگر و استعمارگر وجود نخواهد داشت.

وطن فروشان "پرچی" همانگونه که کمر مزدوری به سوسیال-امپریالیسم روس بسته بودند، حال با "تعویض" ارباب، همچون سگان وفادار، کمر به خدمت به اربابی امپریالیست از "بلوک غرب" بسته و مصداق این تر اند که "هر که وطن خویش را فروخت و با پا گذاشتن بالای خلق ها، وجدان باخت، دیگر برایش فرقی نمی کند که کالای وجدان را در کدامین بازار سیاه به حراج گذارد." آری! همانگونه که جهادی های بی ناموس کماکان در خدمت اشغالگران امپریالیست قرار دارند، بقایای وطن فروشان "خلق-پرچی" نیز که در وطن فروشی و دشمنی با خلق دست کمی از اخوان الشیاطین ندارند، در خدمت اشغالگران امریکایی-شرکا قرار داشته و یکبار دیگر ثابت نموده اند که همانگونه که در (7 ثور) متاع رویزیونیستی خویش را با وطن فروشی "زرداب" ننگ مضاعف زدند، حال با خزیدن در پناه شاه شجاع چهارم، یکبار دیگر گریزی خویش در وطن فروشی و بی ناموسی را به رخ جهانیان میکشند. رویزیونیست های تینگ هسیائوپنگیست و هم-قماشان شان، چه در عبا و قبای "حزب همبستگی افغانستان" و چه در

"اطلس" مزدوری "سازمان انقلابی افغانستان" باز نشان میدهند که همانند اسلاف خویش، بازیچه ء آمال و اغراض هژمونی امپریالیست ها بوده، و درسی را که خاقان های "نوین" برایشان داده بود، از یاد نبرده اند. اینکه "سیلی غفار" در "بن دوم" به نمایندگی از "زنان افغان" برای دموکراسی پوشالی گلو پاره میکند، برای تینگ هسیائوپنگیست ها "مایه ء آبرو" میشود. از همین رو است که این عفریته ء وطن فروش، سخنگوی "حزب همبستگی افغانستان" میشود. اینکه معادل "مذکر" این عفریته در "اطاق های تجارت" میلدمد و باز از حلقوم کثیف "گردان پیشآهنگ پرولتری" نامنهاد خویش گلو پاره میکند، خود روی دیگر همان سکه ء وطن فروشی است. به این ترتیب می بینیم که همان "دشمنان تاریخی" که مائوئیست ها در سالهای چهل سده ء روان خورشیدی داشتند، همانا هنوز بر جگر گاه ء جنبش انقلابی افغانستان دشنه های بی آزرم خیانت خویش را فرو برده و همانها اند که هنوز کمر به تخریب جنبش انقلابی افغانستان بسته و مائوئیست های کشور را به رگبار دشنام و اتهام بسته و در برابر مائوئیست ها انحنای "قامت" سیاه ء خویش را افراشته اند! چه افراشتن نگونساری!

صدر اکرم یاری را گرامی داریم. اندیشهء توانایش را چون مردمک چشم پاس داریم و در دفاع از مائوئیسم در برابر دشمنان رنگارنگ خلق، صف آراییم.

با درفش سرخ مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم به پیش!

انقلاب زنده باد!

سازمان کارگران افغانستان (م.ل.م)

7 قوس 1393 خورشیدی